

Harjeet Singh Gill & Bernard Pottier, Ideas, Words and Things, Sangam, 1992, p.352.

ارتباط اندیشه‌ها، کلمات و اشیاء با یکدیگر

«هارجیت سینگ گیل» استاد فلسفه کلام دانشگاه جواهر لعل نهرو در دهلی نو است. او سابقاً یکی از محققان دفتر مطالعات علمی پاریس بود. «پرنارد پوتیر» هم استاد زبان‌شناسی دانشگاه پاریس می‌باشد. او مطالب بسیاری در زمینه زبان‌شناسی عمومی و نظری منتشر نموده است. نظریه‌های او در کتاب نظریه و تجزیه تحلیل در زبان‌شناسی چاپ ۱۹۸۷ در پاریس گردآوری شده است. مقالات کتاب مجموعاً به دست بیست و هفت نویسنده به رشته تحریر درآمده است. در روی جلد آمده که کتاب حاضر

مجموعه‌ای از مقالات است که نشان‌دهنده پیشرفت علم کلام در فرانسه می‌باشد. در این مقالات در مورد کلمات و چگونگی کار ذهن انسان بر روی کلمات، سخن به میان آمده است. نویسندگان به بررسی علم کلام از قرن دوازدهم تاکنون پرداخته‌اند. رابطه اندیشه، کلام و اشیاء از دیدگاه دانشمندان علم کلام ظرف هشت قرن گذشته مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. در مقدمه آمده که دانشمندان علم کلام می‌گویند مفهوم کلمات به شکل سازماندهی شده‌ای از شبکه مغز انسان عبور می‌کنند و براساس پیامی که شخص از مفهوم کلمات می‌گیرد، از خود واکنش نشان می‌دهد. به محض آنکه کامپیوتر در کارهای عادی بشر مورد استفاده قرار گرفت، انسان سعی نمود با برنامه‌ریزی کامپیوتر فعالیت‌های ذهنی خود را به

در مقاله هشتم، طبقه‌بندی افکار و زبان در مقاله نهم، مراحل شکل‌گیری کلمات و مشاهده و درک در مقاله دهم، اجزاء ارتباطات در مقاله یازدهم، مفاهیم، علم کلام و کلام‌شناسی در مقاله دوازدهم، کلمات، ادای کلمات و اطلاعات در فصل سیزدهم و نظریه‌ای مبتنی بر سه نقطه‌نظر در مقاله چهاردهم می‌باشد.

بخش سوم با عنوان مقالات فلسفی دارای پنج مقاله با موضوع‌های «مفاهیمی» که با استفاده از اعضای بدن تفهیم می‌شوند» مقاله پانزدهم، تشریح بیان در مقاله شانزدهم، مارکس جوان در مقاله هفدهم، علم معانی در مقاله هجدهم و زبان‌شناسی و دستور زبان در مقاله نوزدهم می‌باشد. عنوان بخش چهارم مقالات روان‌شناسی - فرهنگی است و دارای هشت مقاله با موضوعات علائم و زبان به عنوان ساختار و محدودیت در تحلیل روانی در فصل بیستم، مسأله ذهنی در فصل بیست و یکم، علم معانی و روان‌شناسی در فصل بیست و چهارم، ماهیت و فرهنگ تمدن‌های «ایام» در فصل بیست و پنجم، نحوه نوشتن شرح یک ماجرا در فصل بیست و ششم و

کامپیوتر واگذار نماید. امروزه علم کلام در فرانسه به چگونگی برقرار شدن ارتباط میان انسان‌ها توسط کلمات می‌پردازد. «دکارت» عقیده دارد که انسان ابتدا چیزی را تعریف می‌کند و بعد به خواص آن می‌پردازد. اما «کاندیلاک» فیلسوف دیگر فرانسوی درست عکس این عقیده را دارد. او می‌گوید انسان ابتدا باید خواص اشیاء را بداند و بعد آنها را تعریف کند.

کتاب مشتمل بر چهار بخش و بیست و هفت مقاله است. بخش اول با عنوان مقالات فلسفی منطقی در مورد علامت‌ها، اندیشه‌ها و اشیاء، دارای شش مقاله با موضوعات اندیشه در مقاله اول، اختلاف میان حواس و اشیایی که آنها را به وجود می‌آورند و در مقاله دوم، ریاضیات در ذهن انسان، در مقاله سوم، عقیده‌ها در مقاله چهارم، استفاده و سوءاستفاده از عقیده‌ها در مقاله پنجم و شکل‌گرفت عقیده‌ها در مقاله ششم می‌باشد. بخش دوم با عنوان مقالات روان‌شناسی و فرهنگی دارای هشت مقاله با این عنوان‌هاست: موضوع مورد بحث در مقاله هفتم، هویت و بی‌هویتی

«کاندیلاک» می‌گوید در ارتباط با پندار دو چیز را بایستی در نظر گرفت؛ یکی دامنه کاربرد، یعنی پندار چه اشیایی را می‌تواند در برگیرد، دیگری درک پندار یعنی پندار چند پندار دیگر را در برمی‌گیرد. کلمات نمی‌توانند واقعیت جهان هستی باشند. بنابراین در اینجا علم به دو دسته تقسیم می‌شود: علم کلام و علم اشیاء. کتاب حاضر نشان می‌دهد که چه رابطه‌ای میان کلمات و عقیده‌ها از یک طرف و عقیده‌ها و اشیاء از طرف دیگر وجود دارد و این مسأله در علم کلام‌شناسی جدید به خوبی آشکار شده است.

در مقاله اول بخش اول آمده: بیاید ابتدا به طور کلی در مورد ماهیت خود اندیشه صحبت کنیم. مشاهده و درک هر دو، به روح انسان مربوط می‌شوند اما با یکدیگر تفاوت دارند. تفاوت آنها در این است که مشاهده با حواس پنجگانه و حس بینایی سروکار دارد. ما فقط اجسام و آنچه متعلق به اجسام هستند را مشاهده می‌کنیم. به عنوان مثال ما یک برج و چیزهایی که متعلق به آن است را می‌بینیم. اما ادراک نیازی به اجسام ندارد.

کلمات در یک فیلم داستانی در فصل پایانی ویست و هفتم می‌باشد. در بخش اول آمده که فهم ارتباط میان کلمات، اشیاء و اندیشه از مشکلاتی بوده که در قرون معاصر ممکن شده است. پیر آبرالد در اوائل قرن دوازدهم به طور مشروح مفهوم نشانه و اندیشه را توضیح داده است. آبرالد می‌گوید کلمات اندیشه را شکل می‌دهند و این کار به واسطه شناخت ما از اشیاء صورت می‌گیرد. بنابراین دو نوع ارتباط وجود دارد، ارتباط میان کلمات و اندیشه و ارتباط میان اندیشه و اشیاء. اینها سه چیز متفاوت اما مرتبط با یکدیگر می‌باشند. یک کلمه بر یک چیز اطلاق می‌شود زیرا تصور آن می‌شود آن چیز یک ویژگی معین دارد نه به خاطر اینکه آن چیز فقط یکی و منحصر به فرد است. کلمات طبیعی نیستند بلکه قراردادی می‌باشند. اندیشه قراردادی نیست بلکه مبتنی بر تعقل است. کلمات به جای اشیاء به کار می‌روند اما خود، اشیاء نیستند. کلمات با عقیده ارتباط پیدا می‌کنند اما عقیده خود، ساختار بسیار پیچیده‌ای دارد. «دستوت تریسی» یکی از شاگردان

تسخیر ذهنیت‌های سیاسی مؤسسات فکری و فرایند سیاست‌گذاری

دیانا استون، لندن: فرانک کاس، ۱۹۹۶،
۳۳۱ صفحه

دیانا استون مدرس رشته خط‌مشی
عمومی در گروه مطالعات سیاسی و
بین‌الملل دانشگاه وارویک است. وی هم
اکنون از فرصت مطالعاتی شورای
تحقیقات اجتماعی و اقتصادی به مدت
چهار سال استفاده می‌کند و این کتاب
نخستین مطالعه او را تشکیل می‌دهد.

منابع فکری رو به تزایدند. بسیاری از
این مؤسسات همچون نهاد مشهور
پروکینگز در ایالات متحده و مؤسسه
امور اقتصادی بریتانیا هر چند مستقل از
دولت عمل می‌کنند، اما اثر فراوانی در
تفکر سیاسی و خط‌مشی‌های عمومی
دارند. دیانا استون در این کتاب ارزنده،
افکار متعددی را در مورد شبکه‌های
سیاسی و یادگیری سیاست در پرتو این
منابع فکری مطرح می‌کند.

دیانا استون با مقایسه مؤسسات
تحقیقاتی کوچک و بزرگ آمریکایی و

اگر برج خراب شود چشم دیگر نمی‌تواند
آن را مشاهده کند اما قوه ادراک می‌تواند
آن را در ذهن مجسم نماید. اما همچنان
که مشاهده برج و خود برج دو چیز
متفاوت هستند، درک یک مسأله نیز
نمی‌تواند همانند خود مسأله باشد.
ادراک فقط یک فعالیت ذهنی است، در
صورتی که چیزی که ذهن آن را درک
کرده یک واقعیت خیالی است که ذهن آن
را پدید آورده و ذهن هر موقع و به هر
شکلی که بخواهد این کار را می‌کند. مثلاً
یک معمار ممکن است شهری را با
ساختمان‌هایش در خواب ببیند. آن چیزی
را که او در خواب دیده در واقع می‌تواند
الگو یا طراحی باشد برای آن بنایی که
قصد دارد بسازد. با این حال برخی از
مردم این واقعیت خیالی را با ادراک
واقعی یا واقعیت عینی اشتباه می‌گیرند.
برای آنها این برج خیالی، در نبود برج
واقعی، همان برجی واقعی است.

**Diane Stone, Capturing the
Political Imagination: Think
Tanks and the Policy Process,
U.K.: Frank Cass Co.Ltd.,
1996, p.331**

انگلیسی درک ما را از علل و پیامدهای رشد این سازمان افزایش می‌دهد. وی می‌گوید مؤسسات آمریکایی از بودجه و حمایت تعاونی بیشتری بهره می‌گیرند و ساختار نهادی دولت ایالات متحده و نظام ضعیف احزاب سیاسی، فضایی باز و غیرمنسجم را برای تعامل میان مؤسسات تحقیقاتی و مقامات دارای قدرت سیاسی فراهم آورده است.

سیزده فصل در پی مقدمه آغازین کتاب می‌آید. نیمه اول کتاب به بررسی رشد و سازماندهی مراکز تحقیقاتی و نیمه دوم به کاوش در مورد نفوذ این مراکز بر سیاست و شکل‌ها و انواع این سیاست‌گذاری اختصاص یافته است.

فصل اول «شناسایی مؤسسات تحقیقاتی» نام دارد. در این فصل نگارنده نوشته‌های پیشین در مورد مؤسسات تحقیقاتی و دو راهی‌های موجود بر سر تعریف این مراکز را بررسی می‌کند. خانم استون تعریف‌های قبلی را رد می‌کند و مجموعه‌ای از ویژگی‌ها و خصوصیات را برمی‌شمارد که می‌توان برای شناسایی این منابع فکری و تمییزشان از دیگر سازمان‌های سیاسی و تحقیقاتی به کار

برد. فصل دوم «تشریح و تحلیل مؤسسات تحقیقاتی» نام دارد. این فصل، ویژه مطالعات آثار مکتوب موجود در زمینه مراکز مستقل تحقیقات سیاسی است. کثرت‌گرایان، تئوری پردازان نخبه و مارکسیست‌ها تصویرهای مختلفی را از مؤسسات تحقیقاتی ارائه می‌دهند. هر دیدگاه مزایا و معایب خاص خود را دارد.

فصل سوم به نام «آرمان‌گرایی ایالات متحده و نظام‌های پارلمانی» به بررسی دلایل اصلی وجود تفاوت در گستردگی وسعت مؤسسات تحقیقاتی آمریکا منحصر به فرد نیست. آری میزان توسعه این مراکز در آمریکا بسیار زیاد می‌باشد، و تنوع بیشتری نیز وجود دارد. همان‌گونه که نظام آمریکایی مؤسسات تحقیقاتی رشد و تکامل یافته، نظام بریتانیایی نیز با سرعت و گستردگی کم‌تری روند تکامل را طی کرده است.

فصل چهارم به نام «سازمان و مدیریت مؤسسات تحقیقاتی» است. سلامت مؤسسات تحقیقاتی مستقل سیاسی متکی بر شیوه مدیریت و تطبیق آنها با تحولات روز است. سلامت

می‌گذارد.» به نظر نویسنده از طریق یادگیری و تطابق است که مؤسسات تحقیقاتی می‌توانند با مشکلات روبرو شوند.

فصل ششم «جامعه‌های دانش‌پژوهی و مؤسسات سیاسی» نام دارد. نگارنده به بررسی پدیده مؤسسات تحقیقاتی و جایگاه آن در چارچوب شناختی جامعه‌ها پرداخته، اندیشمندان و دیگر فعالان این مراکز، ایده‌ها، تاکتیک‌ها و طراح‌های تولیدی را توصیف می‌کند. پترهاس مؤسسات تحقیقاتی را جایگاه اصلی جامعه‌های شناختی قلمداد می‌کند و فصل ششم ویژه بررسی این ایده بوده و چارچوب جامعه‌شناختی را با دو هدف مورد مذاقه قرار می‌دهد که عبارتند از: بررسی و مقایسه اندیشه بهره‌گیری از مفهوم به مثابه ابزاری توصیفی برای نفوذ موقتی مؤسسات تحقیقاتی با دیگر چارچوب‌های اندیشه سیاسی و نیز تشریح اهمیت سازمانی مؤسسات تحقیقاتی برای جامعه‌های شناختی.

فصل هفتم ویژه «ارتباط خط مشی و کارایی» است. گفته می‌شود که بسیاری از

مؤسسات تحقیقاتی در توان آنها در نوآوری و پاسخ به شرایط متحول بیرون اثر می‌گذارد. در این فصل مدیریت داخلی مؤسسات سیاسی نقد و بررسی می‌شود و شیوه‌های تأمین بودجه، رهبری، تأمین نیروی انسانی و خط‌مشی‌های تحقیقاتی و انتشاراتی آنها به بحث گذارده می‌شود.

فصل پنجم «نوآوری، ایستادگی و سقوط» نام دارد. سلامت و کارایی سازمانی مؤسسات، همواره دچار تغییر و تحول و تنش می‌شود. شرایط آنها ممکن است از حالت نوآوری به اصلاحات، تطبیق، ایستادگی و انحلال بیانجامد. در این فصل نگارنده خواهان بررسی این موضوع است که چرا برخی مؤسسات رشد می‌کنند و برخی دیگر از هم فرو می‌پاشند. نگارنده برای تفهیم الگوهای تحولات سازمانی در مؤسسات تحقیقاتی، برخی ایده‌های «ارنست هاس» را باز می‌گوید، از جمله این که «مؤسسات تحقیقاتی را حلال مشکلات می‌پندارند که برای تعیین روابط ملی به شیوه‌های جدید، دانشی را ارائه می‌دهند که در محتوای خط مشی عمومی اثر

مؤسسات تحقیقاتی اثرگذار و دارای نفوذند اما معنای نفوذ و اثر به غایب مبهم است. ابزار تفکر چون جامعه‌های سیاسی یا شناختی، رگه‌های نفوذ و اثر را توصیف می‌کنند اما قادر به تعیین میزان اثرگذاری مؤسسات تحقیقاتی، کارایی و ارتباط آنها اختصاص دارد و قسمت بعدی ویژه تشریح شیوه‌هایی است که مؤسسات تحقیقات سیاسی به مدد آن هویتی را در هیأت سازمان‌های مستقل و آموزشی مسئول پیش‌برد علایق و منافع عامه، برای خود احراز می‌کنند.

فصل هشتم «تهیه‌کنندگان سیاست» واسطه‌های شبکه‌سازی» نام دارد. نگارنده با دیدگاهی انتقادی به تجزیه و تحلیل فعالیت‌های شبکه‌سازی و واسطه‌گری تحقیقاتی مؤسسات سیاسی برای معرفی سیاست‌های در پیش گرفته می‌پردازد. چون تهیه‌کنندگان سیاست در لقاف مؤسسات آموزشی خیریه عمل می‌کنند ولی در واقع به واسطه‌گری و بساندبازی در تحقیقات می‌پردازند، نفوذشان در قدرت طرح مسائل در جامعه و جذب مخاطب لازم برای ایده‌های جدید خلاصه می‌شود.

فصل نهم «واسطه‌های دست دوم در ایده‌ها و افکار» نام دارد. نگارنده در این فصل می‌گوید برای درک اثر مؤسسات تحقیقات سیاسی بایستی به بررسی چگونگی استفاده آنها از تعبیرها و تبیین تحقیقاتشان پرداخت. قسمت اول این فصل به بحث و بررسی استقرار تاکتیکی ایده‌ها و قسمت دوم به بررسی استفاده از تعبیرها و کنایه‌ها به دست مؤسسات تحقیقاتی برای قبولاندن نتایج تحقیقات خود به مخاطبانشان اختصاص دارد.

فصل دهم «تئوری گزینه عمومی و مؤسسات تحقیقاتی» نام دارد. اقتصاد گزینه عمومی، نمونه‌ای از تئوری‌های نظریه مؤسسات تحقیقاتی در فضای دوگانه «نبرد عقاید» است. نگارنده در این جا می‌خواهد نشان دهد که چگونه برخی مؤسسات مبانی این رهیافت یا گفتمان را به کار گرفته و آنها را در مسائل سیاسی اعمال کرده و این تئوری را برای مصرف افراد دخیل در دنیای سیاست، دیوان‌سالاری و گروه‌های فشار پالایش کرده‌اند.

فصل یازدهم «مؤسسات سیاسی و خصوصی سازی» نام دارد. در این فصل

قدرت بخشیدن به مردم؛ از دولت تا جامعه مدنی

پیتر برگر، ریچارد جان نیوهاس، نشر AEL واشنگتن، ۱۹۹۶، ۲۲۳ صفحه

«مایکل نواک» مدیر مؤسسه آمریکایی مطالعات اجتماعی و سیاسی است. وی در سال ۱۹۸۶ ریاست هیأت آمریکایی در کنفرانس امنیت و همکاری اروپا را به عهده داشت. در سال ۱۹۸۱ و ۱۹۸۲ ریاست هیأت آمریکایی در کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل را در ژنوه عهده داشت. او تاکنون چند جایزه علمی دریافت کرده و بیش از ۲۵ جلد کتاب نگاشته است. سیزده نویسنده دیگر نیز در نوشتن این کتاب سهیم بوده‌اند.

کتاب مشتمل بر پنج بخش و نوزده فصل است. در روی جلد آمده که «با نگاهی به بیست سال پیش، یعنی سال ۱۹۷۷، می‌توانیم بگوییم فرهنگ سیاسی جامعه در آن زمان به اندازه زمان حاضر مطلوب نبوده. اما برخلاف فرهنگ سیاسی امروزه، نظریه‌های سیاسی نباید ضد دولتی باشد بلکه

نگارنده به مسأله خصوصی سازی توجه می‌کند و نشان می‌دهد که مؤسسات تحقیقاتی آزاد، مدت‌ها پیش از آشنایی دولت‌ها با این پدیده در دهه هشتاد، از مزایای خصوصی سازی باخبر بودند. فعالیت‌های تحقیقاتی این مراکز باعث رواج خصوصی سازی در سطح جهان شد. فصل دوازدهم «کلوب سیاست خارجی» نام دارد. در این فصل می‌خوانید: «منافع تحقیقاتی مؤسسات سیاسی با ظهور مسائل و مشکلات تازه در نظام جهانی تغییر کرده است. اما این طور هم نیست که تنها نسبت به مسائل جدیدی از خود واکنش نشان دهند. این مؤسسات نقشی استراتژیک را در نهادینه کردن تحولات ایفا می‌کنند. فصل سیزدهم «مؤسسات تحقیقاتی و مطالعات انسانی» است. در این فصل نگارنده به جوانب مختلف اثرگذاری در میان نهادهای سیاست خارجی می‌پردازد.

Peter Berger, To Empower People, : From State to Civil Society, American Enterprise Institute, 1996, p.223

آوردند تا در نوشتن این کتاب که راهکارهایی برای آیندگان است، آنها را یاری بدهند.

در فصل اول با عنوان مقدمه‌ای بر چاپ ۱۹۹۶ آمده که کتاب اول اعتبار خودش را به مدت بیست سال حفظ کرد و هنوز هم حفظ می‌کند، اما کتاب حاضر یازده مطلب جدید دارد که نشان می‌دهد ظرف بیست سال گذشته چه تغییراتی پدید آمده است و بحث امروز با آن زمان چه تفاوتی دارد. البته نقایصی در راهکارهای این کتاب وجود دارد، اما به رغم آنکه کامل نبوده، بد هم نیستند.

اعتماد کامل به دولت نیز کاری درست نیست، روی مردم و آزادی آنها نیز نمی‌توان حساب و شرط‌بندی کرد. ^{مطلب عالی و مهم} انسان فرشته نیست و هیچ‌گاه نمی‌توانیم روی این زمین بهشت ایجاد کنیم. با راهکارهای ارائه شده در این کتاب و اداره امور به دست مردم وعده بهشت نمی‌دهیم، اما معتقدیم شرایط از وضعیت حاضر بهتر خواهد شد. امیدواریم مقالات این کتاب دیگران را وادار کند که با درایت و به طور مؤثر راهکارهای ارائه شده را به خصوص به

هدف این است که مردم یاد بگیرند چگونه خود را اداره کنند، یعنی دولت به آنها نگوید چه بکنند، بلکه آنها به دولت بگویند چه کند. کتاب حاضر ملت‌ها را دعوت می‌کند به اینکه همچون مردم آمریکا راه اداره کردن خود را پیدا کنند.» در پشت جلد آمده، اولین چاپ این کتاب در بیست سال پیش تأکید بر احیای جامعه مدنی داشت. در آن زمان نویسندگان کتاب عقیده داشتند که خانواده، همسایگان، کلیسا و سازمان‌های اجتماعی نهادهایی هستند که تضعیفشان فاجعه به بار می‌آورد. نویسندگان اولین چاپ کتاب حاضر در آن زمان که سیاستمداران صیحت از برنامه‌های دولت می‌کردند هشدار دادند که کارگزاران برنامه‌های دولت، به اندازه ^{مطلب عالی و مهم} معلمان فرشته نیستند. نهادهای مختلف جامعه کارایی ندارند. حالا پس از بیست سال بسیاری از ادعاهای آنان ثابت شده و نویسندگان تجدیدنظری در کتابشان به عمل آورده‌اند تا ببینند کدام یک از گفته‌هایشان درست از آب در آمده و کدام یک اشتباه بوده است و چرا. آنها از دوازده دانشمند و نویسنده دیگر نیز دعوت به عمل

نفع فقیران دنبال کنند.

بخش اول با عنوان جنگ عقیده‌ها، دربرگیرنده دو فصل دوم و سوم است. در فصل دوم با عنوان «جامعه مدنی جدید» آمده که رویدادهای اخیر نشان می‌دهد دوران برنامه‌های بزرگ سیاسی آمریکا که در سال ۱۹۰۹ طرح ریزی شد، به سر آمده است. به موجب این برنامه‌ها قرار بود در داخل مرزهای آمریکا یک جامعه ساخته شود که در آن منافع فردی کنار گذارده شود و تعهد به پیاده کردن اهداف ملی در نظر قرار گیرد. این برنامه‌ها چه شدند و چگونه در سرایشی سقوط قرار گرفتند و چگونه می‌توان جامعه را دوباره در آینده بازسازی نمود؟ در فصل سوم با عنوان «جامعه بدون سیاست» آمده که چاپ اول کتاب صرفاً در مورد آمریکا نوشته شده بود و این بار در این کتاب من در مورد اروپا و بخصوص انگلیس صحبت می‌کنم. مقاله اول با طرح یک معما شروع می‌شود که مردم از یک سو انتظار دارند دولت خدمات رفاهی خوبی ارائه دهد و از سوی دیگر با آن خصومت می‌ورزند. نویسندگان عقیده داشتند مردم آمریکا به جای آنکه چشم به

دستان دولت بدوزند، باید خود دست به کار شده، توسط نهادهای مردمی خدمات رفاهی ارائه دهند. این مقاله در فصل سوم دو هدف را تعقیب می‌کند، اول اینکه نگاهی به فلسفه سیاسی اروپایی که جایگاه نهادهای مردمی را روشن ساخته بیاندازد و دوم اینکه چگونه مردم انگلیس با حس مسوولیت فردی و مستقل از سیاست‌های دولت توانستند برای خود خدمات رفاهی فراهم کنند.

بخش دوم با عنوان تکمیل عقاید سیاسی دارای دو فصل است. در فصل چهارم از این بخش زیر عنوان «نهادهای مردمی واسطه از سال ۱۹۷۷ تا ۱۹۹۵» آمده که چهار رئیس جمهور آمریکا طی مدت مذکور سعی کردند با نهادهای بزرگ دولتی خدماتی ارائه دهند، اما موفقیت چندانی به دست نیاوردند. حالا این سؤال مطرح است که چگونه می‌توانیم بین مردم و نهادهای بزرگ دولتی واسطه ایجاد کنیم در حالی که خود نهادهای بزرگ دولتی آمریکا، از سنگینی وزن جسد خود در حال فروریختن می‌باشند؟ سؤال دیگر این

چهارم نویسندگان چاپ اول کتاب نتیجه گیری می کنند که سخنان آنها در دو دهه پیش چندان اشتباه نبوده است. بخش پنجم شمه ای از کتاب چاپ اول است.

Paul Hirst, From Statism to Pluralism, UCL Press, London, 1997. p.290

از دولت سالاری تا کثرت گرایی

پاول هیرست، نشر یوسی ال، لندن، چاپ ۱۹۹۷، ۲۶۰ صفحه

پاول هیرست، استاد تئوری جامعه شناسی در کالج بیرکبک، دانشگاه لندن است. وی نگارنده چهارده کتاب و از جمله شیوه های پیش از سرمایه داری تولید (۱۹۷۵) با همکاری باری هیدنست، مارکیسم و نوشته های تاریخی (۱۹۸۵) پس از تاچر؟ (۱۹۸۹)، دموکراسی مشارکتی (۱۹۹۳) و انتشارات راجع به جهانی سازی (۱۹۹۶) با همکاری گراهام تامپسون) بوده. کتاب های وی با زبان های آلمانی، ژاپنی، پرتغالی و اسپانیولی ترجمه شده است.

است که اگر این نهادهای دولتی از هم فروپاشد چه خواهد شد؟ آیا دولت صرفاً با کناره گیری خود می تواند کمکی به مردم بکند؟ آیا قایق ها آن چنان شکسته اند که حتی یک موج بزرگ هم نمی تواند آنها را بالا بیاورد؟ فصل پنجم با عنوان «نگاهی از کاخ سفید به بیرون و قدرت بخشیدن به فرد و جامعه» آمده که از زمان انتشار چاپ اول این کتاب بحث های بسیاری صورت گرفته است. اگرچه از همان سال ۱۹۷۷ مخالفت با دولت وجود داشت اما هنوز مخالفت با نهادهای بزرگ دولتی و طرفداری از نهادهای مردمی واسطه، به میان نیامده بود. بخش سوم با عنوان جوانب مختلف جامعه مدنی از هفت فصل تشکیل شده است. در فصل های ششم، هفتم و هشتم در مورد مشکلات حقوقی و مذهبی نهادهای مردمی واسطه صحبت شده است. در فصل نهم در مورد تجربیاتی که از نهادهای مردمی به دست آمده سخن به میان آمده است.

در فصل های دهم، یازدهم و دوازدهم خلاصه ای از آنچه در مقالات قبلی عنوان شد، آمده است. در بخش

جامعه‌های مدرن، در حال حاضر، بینشی جایگزین برای آینده ندارند. بسیاری از منتقدان ادعا کرده‌اند که تنها گزینه موجود، بازگشت به بازار آزاد سرمایه‌داری است. بسا این همه، کشورهایی چون آلمان و ژاپن که انتظار می‌رفت الگویی برای ایجاد چنین بازاری ارایه دهند، ظاهراً ناکام مانده‌اند و آینده مؤسسات تجاری، به ظاهر تطابقی بی‌وقفه با تحولات سریع و لجام‌گسیخته دارد.

پاول هیرست معتقد است که آینده‌های جایگزین و موفقیت‌آمیزی امکان‌پذیر است و در این کتاب الگویی را موسوم به دموکراسی مشارکتی مطرح می‌کند. به نظر وی، الگوی یاد شده، موانع اصلی برای احیای توجیه‌پذیری دموکراتیک و حاکمیت اقتصادی است. مطابق این الگو امور اجتماعی به سوی انجمن‌های مستقل داوطلبانه سوق داده می‌شود. در جامعه پس از دوران لیبرالیسم که سازمان‌های عظیم و دارای کنترل سلسله‌مراتبی بر بخش‌های خصوصی و دولتی آن تسلط دارند، جامعه مشارکتی، ابزار برای احیای

آرمان‌های دموکراتیک و ارزش‌های لیبرال به حساب می‌آید. مقاله‌های جذاب و پرتوان یکی از محبوب‌ترین و نواندیش‌ترین متفکران امروز، نشانگر تلاشی برای تبیین دوباره راه سوسیالیزم دولتی و بازار آزاد سرمایه‌داری است. خواندن کتاب از دولت‌سالاری تا کثرت‌گرایی به تمامی علاقه‌مندان احیای تفکرات چپ‌گرایانه توصیه می‌شود.

این کتاب شامل مقدمه، سه بخش و پانزده فصل است. در مقدمه کتاب، نگارنده به موقعیت سیاسی مهم کنونی اشاره می‌کند: نظام سرمایه‌داری و تمایل به احیای بازار آزاد و نبود هرگونه جایگزینی مطلوبی برای آن. به نظر وی سوسیالیزم دیگر مرده است و نمی‌تواند جایگزین جامع‌الاطراف برای نظام بازار باشد. در این شرایط، مردم نیز هرگونه امید سیاسی خود را از دست داده‌اند، هیچ امیدی به آینده‌ای مشترک که قابل دسترسی و بهتر از دوران کنونی باشد، ندارد. در این شرایط، دیگر مشارکت و تعاون با مردم چندان ارزشمند نمی‌نماید.

امروزه مشخص شده است بوروکراسی‌های عظیم اعم از دولتی یا خصوصی، چندان کارایی ندارد و یافته‌های عمومی برای اداره پر توان مملکت و جبران کاستی‌های نظام، در کنترل امور مربوطه کافی نیست. دلیل دوم این است که درست در همان زمانی که نظارت شهروندان بیشتر می‌شود، دموکراسی‌های برگزیده بیشتر ابزاری برای مشروعیت بخشیدن به دولت تمرکز یافته و بوروکراتیک تبدیل شده، به وظیفه اصلی خود یعنی کنترل بر امور دولت نمی‌پردازند. دلیل سوم ایده حاکم بر دموکراسی‌های لیبرال است، بدین معنا که مملکت مهم‌ترین جامعه سیاسی است و این پدیده با تفکر جهانی سازی امروزی همخوانی ندارد. نگارنده پس از طرح سه پیشنهاد اساسی، به رد نظام‌های سرمایه‌داری و کثرت‌گرایانه می‌پردازد.

فصل سوم به نام «دموکراسی تعاونی» ویژه تشریح پیامدهای مطلوب فلسفه‌های اشتراک مدار بر اصلاح حکومت‌های دموکراتیک و سازماندهی امور اقتصادی و خدمات عمومی و جوامع غربی است. نگارنده، اشتراک

امید مردم حالا دیگر تا سطح موفقیت‌های فردی در میدان رقابت و مسابقه تنزل یافته و آرزوها و آمال افراد نیز به مادیات محدود شده و مثلاً در خرید ماشینی دیگر یا دستیابی به استخر شنای خصوصی خلاصه می‌شود. این فضای سیاسی بخش اعظمی از تئوری اجتماعی را نیز بی اعتبار کرده است.

بخش اول «دموکراسی و حکومت اشتراکی» نام دارد و دربرگیرنده چهار مقاله است. هدف نگارنده در اینجا تشریح اصول اساسی حکومت دموکراتیک اشتراکی و طرح انتقادهایی را در یکسال در مورد کاستی‌ها و محدودیت‌های دموکراسی می‌دیند. نگارنده از این رهگذر می‌کوشد تا نشان دهد چرا دولت باید به نوعی حکومت دموکراتیک زیر کنترل انجمن‌ها و اجتماع‌ها تبدیل شود.

در فصل دوم به نام «دموکراسی اشتراکی» ذکر شده که عرصه سیاست به شدت در حال تغییر و تحول است و نهادهای دموکراتیک لیبرال به سه دلیل عمده، فاقد توان لازم برای رویارویی با چالش‌های نوین هستند. نخست اینکه

مداری را چنین توصیف می‌کند: «... در این تئوری میانه‌رو، ادعای اساسی این است که هرگاه امور جامعه تا حد ممکن در کنترل انجمن‌های مستقل، دموکراتیک و داوطلبانه درآید، رفاه و آزادی بشریت به بهترین وجه ممکن تأمین خواهد شد.» در فصل چهارم به نام «از دولت سالاری تا کثرت‌گرایی»، نگارنده، دموکراسی اشتراکی را اصولاً نوعی از سوسیالیسم دولت و دموکراسی سیاسی مطرح شده و محدودیت‌های موجود برای احیای سوسیالیسم از طریق تقویت دموکراسی به دست جمهوری خواهان چپ‌گرا معرفی می‌شود.

در فصل پنجم به نام «دموکراسی: بهترین پاسخ سوسیالیزم به جناح راست»، نگارنده برخلاف بسیاری سوسیالیست‌ها که خواهان احیای سوسیالیزم در قالب دموکراتیک‌سازی هستند، می‌کوشد تا نشان دهد دموکراسی، دکترینی است که رسمی بوده، فاقد هرگونه محتوای اجتماعی مشخص می‌باشد. به زعم وی هیچ‌گونه دلیلی وجود ندارد که رأی‌دهندگان غربی به دموکراتیک‌سازی علاقه‌مند باشند یا

آنکه بتوان آنها را مجبور کرد همچون شهروندان وظیفه‌شناس رفتار کنند. مزیت انواع ابزار تعاونی برای تقویت دموکراسی‌ها، این است که ابزار یاد شده، متکی به مشارکت فعال توده‌ها نبوده و هدف‌هایی را نشانه می‌رود که مطلوب شهروندان است؛ یعنی بهبود وضعیت اقتصادی.

بخش دوم کتاب به نام «دموکراسی و جامعه مدنی» شامل چهار فصل است. فصل ششم به نام «بنیادها و دولت دموکراتیک» به تشریح پدیده جامعه سازمانی پس از لیبرالیسم اختصاص یافته است. در این فصل دلایل رشد بنیادهای غیرانتفاعی و غیردولتی در بریتانیا بیان می‌شود. به عقیده نگارنده، این بنیادها قضایی گسترده از قدرت دولت شبه مردمی را آفریده‌اند. فصل هفتم به نام «دموکراسی و جامعه مدنی» نیز به تشریح معضل دوران پس از لیبرالیسم و امکان حکومت از طریق جامعه مدنی می‌پردازد.

در فصل هشتم به نام «آیا محافظه‌کاران می‌توانند جامعه مدنی جدیدی بیافرینند؟»، نگارنده به بررسی

پاسخ یکی از اندیشمندان معتقد به بازار آزاد در مورد مشکل نظام‌های لجام گسیخته سرمایه‌داری می‌پردازد که چه بسا بنیان‌های اجتماعی خود این نظام‌ها را نیز براندازد.

فصل نهم به نام «کنار زدن دولت» به تشریح بحران‌های کنونی رفاه در دولت‌های تمرکز یافته، پرداخته است و به طور خلاصه اصول نظام گسترده رفاه عمومی از طریق انجمن‌های داوطلب ترسیم می‌شود.

بخش سوم به نام «فشارهای جهانی و حکومت دموکراتیک» با فصل «دولت، جامعه مدنی و فروپاشی کمونیسم شوروی» آغاز می‌شود. در اینجا نگارنده به نقد حمایت اروپای مرکزی و شرقی از جامعه مدنی و تأثیر ایده‌های مربوط به

دنای غرب می‌پردازد. نگارنده می‌گوید: «پس از انحلال قدرت کمونیست، این تصور به شدت مورد سؤال قرار که جامعه مدنی می‌تواند اساس و بنیاد لازم را برای سیاست مسالمت‌آمیز مبتنی بر گفت‌وگو و تفاهم فراهم آورد.»

در فصل یازدهم به نام «چالش‌های امنیتی در اروپای پس از کمونیست» آمده

«به نفع غرب است که نگرانی‌های مستطقه‌ای روسیه را برطرف کند و کمک‌های اقتصادی گسترده‌ای را به این کشور بدهد.» در این فصل همچنین گفته می‌شود که کشورهای غربی، هیچ‌گاه در نزاع‌هایی که مستقیماً به منافع سیاسی یا اقتصادی آنها مربوط نمی‌شود، دخالت نمی‌کنند.

فصل دوازدهم به نام «مآل اندیشی - فرانسیس فوکویاما» ویژه نقد دیدگاه فرانسیس فوکویاما است. به نظر فوکویاما در جهان کنونی هیچ چیزی نمی‌تواند جای دموکراسی مبتنی بر آرای مردم و جامعه بازار را بگیرد. سه فصل بعدی به تشریح ماهیت نظم جهانی در آینده اختصاص یافته است.

Robert Wuthnow, Christianity & Civil Society: The Contemporary Debate, Trinity Press International, Pennsylvania, 1996, p.103

مسیحیت و جامعه مدنی: بحث روز

روبروت واتناو، انتشارات بین‌المللی ترینتی، پنسیلوانیا، ۱۹۹۶، ۱۰۳ صفحه

میان این هیاهو آیا حرفی برای گفتن دارد؟

«رونالد سایدر» در مورد این کتاب می‌گوید: «یکی از نخبگان جامعه‌شناسی امروز جهان، اندیشمندان علم جامعه را به اندیشه در مورد مهم‌ترین مسائل دنیای امروز فرا می‌خواند. «واتناو» نتایج سال‌ها تحقیق و مطالعه خود و دیگران را با مهارت تمام خلاصه کرده، می‌کوشد ما را به اندیشه موشکافانه و تحقیق راجع به موضوعی وادارد که همگی ما اتفاق نظر داریم، بازنگری در آن برای حفظ بقای آمریکا الزامی است.»

در مقدمه کتاب نگارنده پرسش‌های مطروحه راجع به جامعه مدنی در سال‌های اخیر را مطرح کرده، بحث جامعه مدنی را می‌شکافد. به نظر وی پرسش‌هایی چون: «چگونه می‌توانیم دموکراسی را حفظ کرده و از آن حمایت کنیم؟ آیا می‌توان شئون اخلاقی را به زندگی مردم بازگرداند؟ می‌خواهیم دولت‌مان تا چه حد پر قدرت باشد؟ چه چیزی می‌تواند باعث شود شهروندانی بهتر و مسئولیت‌پذیرتر باشیم؟» را در چند ساله اخیر با فوریت و اولویت تمام

«روبرت واتناو»، استاد علوم اجتماعی مدرسه عالی گرهارد آندرلینگر و رئیس مرکز مطالعات مذهبی آمریکا در دانشگاه پرینستون است. وی تاکنون پانزده کتاب نوشته است. از کتاب‌های برجسته وی می‌توان به کتاب یادگیری تأمل، عطوفت ابتدایی در دوران بی‌تفاوتی و خداوند و ابلیس در آمریکا اشاره کرد.

در این کتاب سه فصلی که به مقدمه و مؤخره‌ای نیز مزین شده، روبرت واتناو مؤلف مشهور، رابطه میان مسیحیان و جامعه مدنی را از سه زاویه مختلف بررسی و کاوش می‌کند.

۱- آیا جامعه مدنی در خطر است؟ نفوذ رو به افول مسیحیت چه تأثیری بر جامعه مدنی دارد؟

۲- آیا مسیحیت به رغم نزاع‌های درگرفته میان گروه‌های مذهبی، در صحنه جامعه و جنگ‌های موسوم به فرهنگی که بحث داغ رسانه است، باز هم می‌تواند مدنیت خود را حفظ کند؟

۳- مسأله چندگانگی فرهنگی در ایالات متحده، مسیحیان به این نوع تنوع تازه چگونه پاسخ می‌گویند و مسیحیت در

آزادی شخصی و مسؤولیت مدنی برای رسیدن به جامعه‌ای مطلوب ضروری انگاشته می‌شود و قانون، ابزاری تأدیبی برای شکل‌دهی رفتار مردم است. بنابراین در پرتو جامعه مدنی، خانواده، مدرسه، کلیسا و سازمان‌های اجتماعی را حافظ ارزش‌ها می‌پنداریم. دلیل دیگر این است که جامعه مدنی همواره میان دولت و فرد قرار می‌گیرد و آزادی‌های مقدس فردی را در مقابل تجاوز دولت پاس می‌دارد و افراد را چنان به یکدیگر می‌پیوندد که بتوانند در کنار هم و به گونه‌ای مؤثر با دولت کار کنند.

«آیا جامعه مدنی در خطر است؟» فصل اول را نگارنده به این عنوان آراسته و به دنبال پاسخی برای آن است. وی توجه مخاطبانی به اثر مسیحیت مبذول می‌دارد و می‌پرسد که آیا این اثر رو به کاستی گذارده است؟ و اگر چنین باشد بر سر جامعه مدنی چه خواهد آمد؟

نگارنده در این فصل به نگرانی‌ها و اظهار تأسف‌های مقام‌های دولتی و سیاستمداران و اندیشمندان و نیز تحلیل‌گران اجتماعی و حتی مردم عادی آمریکا در مورد ایجاد خلل و کاستی در

پاسخ گفتند. وی می‌گوید چند سال پیش فقط دانش‌آموختگان علوم سیاسی امکان مطالعه در مورد مشکلات جامعه مدنی را داشتند. اکنون هر روز صبح که روزنامه‌ای را به دست می‌گیریم بی‌تردید مطلبی را در این زمینه از نظر می‌گذرانیم. در این سال‌ها پرسش‌هایی آشکار در مورد نقش مذهب در مدارس و جامعه مطرح شده است.

در پایان مقدمه، نگارنده می‌گوید: «به طور خلاصه باید گفت که رابطه میان مسیحیت و جامعه مدنی، مسأله‌ای است که باید از راه‌های تجربی و عملی به آن پرداخت و واقعیت‌های پیچیده جامعه آمریکایی در پایان قرن بیستم را مد نظر قرار داد. آری توسل به تئوری‌های انتزاعی یا مباحث تاریخی در این میان چندان ثمربخش نخواهد بود. اهمیت بررسی این رابطه نیز از این واقعیت ناشی می‌شود که جامعه مدنی، آرمانی به هنجار است، جنبه‌ای مطلوب از زندگی اجتماعی که باید آن را پاس داشت. جامعه مدنی عزیز است، چرا که در آن ارزش‌های اخلاقی و نوع استقلال و

کتاب مقدس احترام می‌گذاریم، ولی آن را نمی‌خوانیم. اگر سود و فایده‌ای در اعتقاد به خداوند باشد، آن را می‌طلبیم، ولی تسعده و وظیفه‌ای در این میان نمی‌پذیریم.»

در فصل دوم نگارنده جوایز پاسخی برای این پرسش است که «آیا مسیحیان می‌توانند مدنی باشند؟» برای پاسخ به این پرسش، نگارنده به بررسی نزاع‌های درگرفته میان گروه‌های مذهبی در جامعه و از جمله جنگ فرهنگ‌ها و بحث داغ مربوطه در رسانه‌ها می‌پردازد.

در این فصل، نگارنده با ذکر سه نمونه معاصر، توجه خوانندگان را در جنبه‌ای مهم از مدنیت مسیحیت فرا می‌خواند. در نمونه اول کشیشی به نام «پاول هیل» در ژوئیه ۱۹۹۴ به جرم قتل دکتری که عمل سقط جنین روی مادران باردار انجام می‌داده و نیز قتل محافظ این دکتر، دستگیر و محکوم می‌شود. هیل در این زمینه می‌گوید «در مقام مبلغ کلام خدا عمل کرده است و به نظر من اعتقاد بدون عمل پسیزی ارزش ندارد.» در نمونه دوم گروه موسوم به ائتلاف مسیحیت در سال ۱۹۹۵ پیمان خود را با

جامعه می‌پردازد. در این راستا به نتایج مراجعه به افکار عمومی اشاره می‌کند که در آن ۶۳٪ از مردم می‌اندیشیدند که «ایالات متحده دچار انحطاط اخلاقی» شده است. تحقیقاتی دیگر نشان می‌دهد که ۶۸٪ مردم از درستکاری و اصول اخلاقی هموطنان خود ناراضی بوده‌اند. کاوشی دیگر در اندیشه مردم آمریکا حکایت از آن دارد که ۶۹٪ مردم آمریکا معتقدند: «ثابت‌های اخلاقی چندتایی بیش نیست.»

درباره احتمال افول نقش مذهب در زندگی مردم آمریکا، نگارنده، تحقیقات و آمارهای مختلف صورت گرفته را مطرح کرده، با یکدیگر مقایسه می‌کند که در کل نشانگر کاهش میزان مذهبی بودن آمریکاییان است. جورج گالوب، چند سال پیش با تفکر در مورد نتایج تحقیقات خود به این نتیجه رسید که: ما (آمریکاییان) به خدا اعتقاد داریم، اما این خدا تنها مؤید کارهایمان است و چیزی از ما نمی‌خواهد. به درگاه خداوند دعا می‌کنیم، ولی در دعایمان و نیایشمان چندان هم ثابت قدم نیستیم و بیشتر خواسته‌هایمان را مطرح می‌کنیم. به

مسیحیان می‌توانند مدنی باشند، اما به این شرط که در ساینده پرتترین ارزش‌هایشان در معرض خطر قرار دارد و اینک باید برای تضمین عملکرد مسؤولانه خود در صحنه جامعه، پاسدارانی نهادینه داشته باشند. بایستی نوعی نیروی تعدیلی و نظارتی خودخواسته، علاوه بر قانون‌های موجود جامعه وجود داشته باشد تا جلوی رفتار مردمانی چون پاول هیل را بگیرد. در گذشته ریش سفیدان و شوراهای مذهبی، فعالیت‌های اجتماعی مسیحیان را مدنی می‌کردند. اما امروزه، رسانه‌های ملی، تبلیغات مستقیم پستی، کمیته‌های سیاسی - عملی و کنگره‌های عظیم تحت کنترل رهبران محبوب و مردمی، علو علم‌پژوه‌های نوین مشارکت در زندگی اجتماعی را به کار می‌گیرند. اینها را نیز باید به گونه‌ای مطلوب محافظت و پاسداری کرد تا مدنیت مسیحیت پایدار بماند.

فصل سوم «چندگانگی فرهنگی و تنوع مذهبی» نام دارد. در این فصل نگارنده به بررسی چالش پیش روی جامعه مدنی به دلیل چندگانگی فرهنگی

خانواده‌های آمریکایی منتشر کرده، فهرستی از پیشنهادها و از جمله نیایش داوطلبانه در مدارس و مخالفت با سقط جنین را ارائه می‌دهد. همزمان با انتشار این پیمان‌نامه، روزنامه نیویورک‌تایمز در سر مقاله خود هشدار می‌دهد که «قیافه معصوم رئیس ائتلاف مسیحیت نباید آمریکاییان را گول بزند... پیمان‌نامه این ائتلاف با خانواده‌های آمریکایی نشانگر دیدگاهی افراطی برای دخالت در اعمال و رفتار شهروندان قانون‌مدار برای پیروی از بنیادگرایان و مسیحیان متعصب است. فعالان مذهبی برآند آزادی‌های مشروع شخصی را از آمریکاییان بگیرند.» و پس از نمونه‌ای دیگر، نگارنده می‌گوید با افزایش فعالیت گروه‌های مذهبی در جامعه، دانش‌پژوهان مذهب در آمریکا، روحانیون و روزنامه‌نگاران را نگران بروز درگیری و اختلاف به واسطه اقدام‌های این مبارزان متعصب کرده است که مبدا رفتار خشونت‌آمیز ایشان پرده مدنیت را ببرد و افرادی چون پاول هیل را به اقداماتی تا به این حد خشونت‌آمیز وادارد.

در پایان، نگارنده می‌گوید که

ظرافت در این زمینه پیشنهاد من این است که مردم برخی کنترل‌ها را از شیوه اندیشه خود حذف کنند و همواره راه تفکر خود را مورد بازنگری قرار داده، اعتقادهای خود را در معرض انتقادات سازنده دیگران بگذارند.»

Jim Barry, Movement and Silence: Critical Reflections on Theories of the New Social Movements, University of East London, 1992, p.104.

جنبش و سکوت:

واکنش‌های انتقادآمیز نسبت به فرضیه‌های مطرح شده در ارتباط با جنبش‌های اجتماعی جدید

جیم باری، انتشارات شرق لندن، چاپ ۱۹۹۲، ۱۰۴ صفحه

جیم باری از اساتید دانشگاه شرق لندن است. دو نویسنده دیگر نیز در نوشتن کتاب سهیم بوده‌اند. کتاب مشتمل بر یازده فصل و یک چکیده در آغاز می‌باشد. در قسمت چکیده آمده

پرداخته و می‌پرسد که آیا مسیحیت آمریکایی در پایان قرن بیستم توان لازم برای رویارویی با گوناگونی مذهبی، نژادی قومی جاری را درد. در این میان هم چنین می‌کوشد تا دریابد که آیا مسیحیت می‌تواند سطح کنونی گفت‌وگو در مورد انواع مناسب و مطلوب ارزش‌های وحدت بخش را ارتقا دهد یا آنکه مذهب‌یون تا حد زیادی به هويت دفاعی خود روی می‌آورند؟

نگارنده پس از بررسی موضوعاتی چون رشد تنوع و چندگانگی، نقش مذهب، مذهب و هویت سیاسی، در پایان چنین نتیجه می‌گیرد: «چندگانگی فرهنگی در جامعه‌های مدنی به این معناست که مردم باید تعامل و تبادل افکار بیشتری با یکدیگر داشته باشند. باید اختلاف نظرهای خود را بازگویند و دست‌کم بپذیرند که هر کس عقیده خود را دارد و همگان نباید مثل هم باشند. جامعه مدنی تا زمانی که گروه‌های دارای ارزش‌ها و سبک‌های زندگی مختلف خواهان مشارکت فعال در گفت‌وگوی با یکدیگر باشند تحمل چندگانگی و تنوع را خواهد داشت... برای رعایت دقت و

بیست سال گذشته در مورد خیزش‌های اجتماعی نوشته شده است. پس از دهه شصت قیام‌هایی همچون نهضت حقوق مدنی و جنبش زنان به وجود آمدند و صدای خود را به گوش ملت‌های غربی رساندند. این بدان معنی نیست که جنبش‌های اجتماعی قبل از انقلاب صنعتی در اروپا وجود داشتند و با افزایش نرخ مواد غذایی جرقه قیام زده می‌شد و طبیعتاً زنانی که بیشتر تر مصرف‌کننده بودند تا تولیدکننده، در این قیام‌ها شرکت می‌جستند. با این حال طبقه‌بندی «کومار» و قرار دادن شورش‌هایی که به خاطر گرانی ارزاق عمومی صورت می‌گرفتند در زمره جنبش‌های اجتماعی، مسأله مهم تعریف قیام‌ها را پیش می‌کشد. همچون بسیاری از مفهوم‌ها در جامعه‌شناسی، وحدت نظر چندانی در مورد این که اصلاً جنبش اجتماعی چیست و چه تعریفی دارد، به چشم نمی‌خورد، چه رسد به این که چرا چه موقع قیامی برآید و چگونه گسترش می‌یابد. وحدت نظر در مورد این که چه چیزهایی جنبش اجتماعی نیست بیشتر است. جنبش اجتماعی

است: کتاب‌هایی که اخیراً در ارتباط با جنبش‌های اجتماعی نوشته شده‌اند حول چند سؤال کلیدی می‌گردند. آیا آنچه که نویسندگان اظهار می‌دارند هدف مورد نظرشان می‌باشد یا مربوط به رشته تحصیلی آنها می‌شود؟ نظریه آنها چیست؟ آنها چه کسی را مورد هدف قرار داده‌اند؟ مضمون اجتماعی و سیاسی کتاب آنها کدام است؟ تفاوت عقیده آنها با سایرین در چیست؟ چه پیش‌فرضیه‌هایی را مطرح می‌سازند؟ آیا کتابشان حاوی تعدادی مفهوم‌های جامع است و آیا مفهوم‌هایی که مطرح می‌سازند با رقبایشان متفاوت است؟ آیا نظریات آنها و روش تحقیقاتشان مبتنی بر مدارک و شواهد مستدل و منابع روز می‌باشد و آیا خلاقیتی در کارشان وجود دارد که قابل پر کردن باشد؟ نکته اصلی که آگاهی مردم می‌باشد. در این کتاب نمونه‌ای از روش تحقیق درباره نهضت‌های اجتماعی طرح گردیده و از نهضت جدید زنان در انگلیس به عنوان مثال استفاده شده است.

عنوان فصل اول ملاحظات مقدماتی است. در این فصل مطالب بسیاری طی

خواهی و تکامل اجتماعی، به میان آمده است.

فصل چهارم: مخاطبان برخی از کتاب‌های نوشته شده در مورد جنبش‌های جدید اجتماعی، دانشجویان زیر فوق‌لیسانس می‌باشند. به عنوان مثال کتاب بوچیر در مورد جنبش جدید زنان در انگلیس و آمریکا با عنوان مبارزه زنان دارای چنین مخاطبانی می‌باشد و این در حالی است که او سعی داشته به مردان کمک کند تا به زنان به گونه دیگری بنگرند و چهره مخدوش شده زن در غرب را کنار بگذارند.

فصل پنجم: پیدایش جنبش‌های اجتماعی جدید همزمان با پایان گرفتن دوران شکوفایی اقتصادی پس از جنگ جهانی دوم همراه بود. مطالب بسیاری درباره این دوران و رشد ناموزون اقتصادی در آن زمان که موجب پیدایش جنبش‌ها گردید، نوشته شده است.

فصل ششم: در میان کتاب‌های جامعه‌شناسان پیشین، کتاب «میخلز» با عنوان «احزاب سیاسی» چاپ ۱۹۱۱، و نظریه او در مورد رابطه میان احزاب سیاسی و جنبش‌های اجتماعی، از همه

شورش نیست، تجمع مردم نیست، یک حزب سیاسی نیست، اگرچه افراد هر یک از این گروه‌ها ممکن است در یک جنبش اجتماعی شرکت جویند. به خاطر وجود این مشکلات تعریفی برای جنبش‌های اجتماعی وجود ندارد. در عوض در این کتاب سعی بر این بوده که مطالب عنوان شده اخیر در مورد جنبش‌های اجتماعی حول سؤال‌هایی که قبلاً آمدند، طرح شود. در این کتاب همچنین نقش آگاهی مردم در به راه افتادن قیام‌های اجتماعی جدید مطرح گردیده است.

فصل دوم: محور اصلی بحث نویسندگان این کتاب «جنبش‌های اجتماعی جدید» می‌باشد. جنبش‌های جدید اجتماعی ابتدا در دهه شصت در آمریکا و اروپا شکل گرفتند. درست به همین دلیل یعنی پیدایش این انقلاب‌ها در چند دهه اخیر است که لقب «جدید» به آنها داده شده است.

فصل سوم: چند نظریه در ارتباط با جنبش‌های اجتماعی جدید از مکتب‌های متفاوت وجود دارد. در همه آنها صحبت از ماده‌گرایی تاریخی، ترقی

فصل هشتم: تشریح تحولات اجتماعی به زبان جامعه‌شناسی همواره کاری مشکل بوده است. با این حال تمایلات بسیاری از جانب نظریه‌پردازان جنبش‌های جدید اجتماعی برای بیان مطالب ابراز گردیده است.

فصل نهم: تحقیقاتی که در این کتاب صورت گرفته مبتنی بر مدارک و شواهد مستدل می‌باشد. قیام‌های دهه شصت و پیدایش جنبش‌های جدید اجتماعی پدیده‌هایی می‌باشند که مدارک کافی در ارتباط با آنها موجود می‌باشد.

فصل دهم: برخی عقیده دارند که پیشرفت چندانی در ارتباط با مشخص شدن نقش آگاهی مردم در تحقیقات مربوط به جنبش‌های اجتماعی جدید صورت نگرفته است. در این فصل از کتاب قبل از پرداختن به مسأله جنبش زنان چند مثال از جامعه‌شناسی تاریخی و سیاسی آورده می‌شود تا نقش آگاهی مردم مشخص شود.

فصل یازدهم: در پایان یک روش برای تحقیق عرضه شده است. در این روش جنبش زنان را به عنوان مثال برگزیده است. به منظور انجام تحقیق در مورد

چشم‌گیرتر می‌باشد. «میخلز» عقیده داشت نهادینه شدن جامعه سوسیال دمکرات در آلمان در اواخر قرن نوزدهم در نهایت منجر به امضای پیمان «مانهایم» در سال ۱۹۰۶ گردید و بر اساس آن اتحادیه‌های بازرگانی بوجود آمدند که سران احزاب مختلف خیلی خوب می‌توانستند با آنها کنار بیایند.

فصل هفتم: نظریه‌پردازان جنبش‌های اجتماعی جدید، دارای پیش‌فرضیه‌های مشترک چندی می‌باشند. برجسته‌ترین این پیش‌فرضیه‌ها این است که جامعه مدنی و حکومت، دو مقوله جدا از یکدیگر می‌باشند و می‌توان آنها را به طور جداگانه ارزیابی نمود. خانم کوهن نظریه‌پرداز جنبش‌های اجتماعی جدید بیش از هرکس دیگری به این مسأله علاقه نشان داده و از پیش‌کسوتان این تفکر محسوب می‌گردد. او عناصر اصلی جامعه مدنی را قانونمندی، باز بودن جامعه، فرهنگ عمومی و خانواده قلمداد می‌کند. او شدیداً از نظریه‌پردازان جنبش‌های جدید اجتماعی به خاطر این که قادر نیستند جامعه مدنی را تشریح نمایند، انتقاد می‌نماید.

جنبش زنان و مشخص نمودن نقش آگاهی مردم در پیدایش قیام همچنین ارتباط احزاب سیاسی و حکومت با جنبش باید چند مرحله را طی نمود که در این فصل به توضیح درباره آنها می پردازد. این مراحل را در ارتباط با جنبشهای دیگر نیز می توان دنبال نمود.

Geoff Bennington and Robert Young, *Post - Structuralism and the Question of History*, (ed) Derek, Cambridge University Press, U.K. 1987, p.292

پساساختارگرایی و مسأله تاریخ

دریک آتریج، جیاف بنینگتون و رویزوت یانگ، انتشارات دانشگاه کمبریج، ۱۹۸۷، ۲۸۲ ص.

دریک آتریج، استاد مطالعات انگلستان استراتکیلد بوده و آثارش شامل کتابهایی در مورد تاریخ و سنجش انگلستان و مقالاتی راجع به جیمز جویس و تئوری ادبیات می شود. جیاف بنینگتون مدرس زبان فرانسه در دانشگاه ساسکس و سردبیر نشریه ادبی

آکسفورد است.

گردآورندگان، مقالات سیزده گانه کتاب را در قالب بخشهایی به نام «تاریخ، مارکسیسم و نهاد»، «تفاوت و تاریخ»، «زیباشناسی و تاریخ» و «تاریخی چون متن» گنجانیده اند. اما پیش از همه، مقدمه گردآورندگان به نام «طرح پرسش» می آید که به جمله زیبایی از هایدگر مزین شده است: «هر ایسمی و هر مکتبی، نوعی سوء تفاهم را به ارمغان می آورد و بسوی مرگ تاریخ را می دهد.» در این مقدمه می خوانید که هرکس تا به حال قصد تعریف ساختارگرایی را داشته، در پایان مثلاً گفته که این کار امکان پذیر نیست یا آنکه، تعریفهای قبلی پر از عیب و ایراد می باشد. ایشان همچنین علوم تعریفی مختصر از ساختارگرایی ارائه می دهند به این مضمون: «بررسی رابطه اجزای دارای اختلاف نظامی کلی، با دیدگاهی غیرسلیقه ای، کلی نگری و علمی» و از پاسا ساختارگرایی می گویند که با عقیده رفع محوریت از اعضای دارای اختلاف مجموعه مخالف است و آن را ساده لوحانه می نامد. در این مقاله، دیدگاههایی علمی با زبانی تخصصی و

فلسفی در مورد تاریخ بیان می‌شود. «تاریخ پرفراز و نشیب»، عنوان مقاله اول به قلم جیاف بنینگتون است که مطالعه پرفراز و نشیب را نیز به دنبال دارد. در پایان مقاله، تمثیلی زیبا نقل می‌شود که خواندندش را لذت بخش می‌نماید. «می‌دانیم که شیر از رام‌کننده شیر، قوی‌تر است و رام‌کننده نیز این را خوب می‌داند. مشکل این است که خود شیر این را نمی‌داند. شاید هم هرگاه کتاب ادبیات بسته شود، شیر نیز از خواب غفلت بیدار شود. آری در این جا ما ناظر بیرونی هستیم، همه چیز را می‌بینیم و می‌دانیم. می‌کشیم که به شیر بگوییم قوی است، باید بپرد، بفرود، گاز بگیرد و چنگ زند، اما شیر فقط یک چشمش را باز می‌کند، دهن دره می‌کند و مع علم انسانی و مطالب علمی مشکلات و هدف‌های خود را بازنگری به محض دیدن مربی دیگری، به او احترام می‌گذارد.» وضعیت آدمیان در مقابل تاریخ نیز چیزی مشابه این است. «فرضیاتی در مورد نوشته‌های مارکس، پس از مطالعه دریدا»، مقاله بعدی است به قلم خانم گایاتری چاکراورتی اسپواک، استاد انگلیسی دانشگاه پیتزبورگ و نویسنده آثاری

بسیار در مورد نهضت زنان، ساختارزدایی و تئوری ادبی مارکسیست. در این مقاله می‌خوانید که پول زیربنای اصل انحطاط در کسب مال به شمار می‌آید. «چون پول، برابر نهاده‌ای عمومی و رایج است، پس هر چیزی را می‌توان انحطاط‌پذیر کرد. پس روابط فناپذیر، دارایی‌های ابدی و غیرمنقول در برابر پول درهم می‌شکنند. آری پول، خادمی است که به یکباره ارباب و آقا می‌شود.» «متونی بنت»، مقاله بعدی را به نام «متونی در تاریخ: شناسایی تعبیرها و متن‌های مربوطه» نوشته است. در اینجا نویسنده می‌خواهد نشان دهد که با ایجاد تحولاتی بنیادین در عناصر گوناگون پسا‌ساختارگرایی، مارکسیسم می‌تواند مشکلات و هدف‌های خود را بازنگری کند. وی همچنین خواستار بررسی روابط میان پسا‌ساختارگرایی، همچون کششی عمومی و پسا‌ساختارگرایی مارکسیسم با یکدیگر است. «مارکسیسم، تئوری گفت‌وگو و تجزیه و تحلیل متنی، متون، خوانندگان و بافت‌ها، جای دادن متون در

«دریدا و فوکو^۳: نگارش تاریخ محوری» نوشته آن ورودزورت^۴ استاد دانشکده سن هافسن آکسفورد است که بخش اول کتاب را پایان می دهد: «زیباشناسی و تاریخ»، بخش بعدی است که با مقاله «درآمدی بر زیبایی شناسی و قطعیت تاریخی به قلم رودلف گاسچی آغاز می شود.

ژان -فرانسیس لیوتار در مقاله خود به نام نشانه تاریخ، مقدمه ای را در مورد بررسی تازه ای از واقعیت سیاسی تاریخی در دوران معاصر می آورد. وی برای نیل به مقصود خود در این میان به اندیشه ژرفنگر امانوئل کانت متوسل می شود.

«زبان در قلمرو تاریخ، تاریخ در قلمرو زبان، سوسور^۵ و اندیشه ریشه شناسی» به قلم دریک آتسریج، آغازگر بخش «تاریخی چون متن» است. در آغاز مقاله

بافت حاضر بوسیله تصمیم گیری در مورد گذشته آنها، «عناوین و موضوعات مهم این فصل هستند.»

مقاله چهارم، «نقدگویی و نهادها: دانشگاه آمریکایی»، نوشته جان اتان کالیر^۱ است. در این مقاله می خوانید که پیش از این، تاریخ نقدگرایی، بخشی از تاریخ ادبیات بوده، اما اکنون تاریخ ادبیات، بخشی از تاریخ نقدگرایی است. به نظر نویسنده که استاد انگلیسی دانشگاه کورنیل و رئیس انجمن علوم انسانی دانشگاه است، فشارهای نهادها و فعالیت فراوان گروه ها و افراد درون نظام های حرفه ای، موجب شده تا قدرت شکننده ادبیات به دست نقدگرایان بیفتد.

ماریان هابسون^۲ مقاله پنجم را به نام «رگه هایی از تاریخ» نوشته است. در این جا نویسنده مفهوم های مورد استفاده «دریدا» را از هم جدا کرده، دوباره در کنار هم قرار می دهد. نتایج مطالعه وی از این قرار است: «این مفهوم ها موجب فروپاشی تعبیرها نمی گردد، بلکه به کاوش در مورد آن چیزی می انجامد که می توان ماهیت تاریخی اندیشه نامیدش.»

1- Jonathan Culler

2- Maryan Hobson

3- Derrida & Foucault

4- Ann Wordsworth

5- Sassure

تاریخ^۱ است که ضمن معرفی مختصری از حال و هوای آثار میلتون، تشبیهی کوتاه از اشعارش در کتاب بهشت گم شده را می آورد و سوء تعبیر صورت گرفته از این تشبیه را بیان کرده، هدف مقاله را بررسی دلایل این گمراهی مستقدان و مفسران قرار می دهد.

«ازرا پوند^۲: محور تاریخ، نام مقاله دوازدهم به قلم مائو ایلمان^۳ استاد انگلیسی دانشگاه ساوت همپتون است که در آن به عناوینی چون «خطابه ای به هنگام، فریاد زمان، مدارگریون و ما که از سرگ جهیده ایم، برمی خوریم. پوند اسطوره را شعری شامل تاریخ توصیف می کند و اسطوره خویش یعنی کاتوس را در سرگیرنده تاریخ های متعدد می خواند.» در اسطوره وی رنسانس ایتالیا، با چین باستان و سال های آغازین ایالات متحده پیوند می خورد و داستان پول به همه اینها و تمامی تاریخ های دیگر همچون تاری در بود گره می خورد.» در

می خوانید که روزگاری تاریخ در عرصه تئوری ادبیات، چون مرجع و مآلی شکست ناپذیر و مقاوم و راست قامت بود و تندرویان و میانه رویان به یک اندازه احترامش می کردند. اما اکنون تاریخ مسأله ای است که باعث جدال و نزاع های پایان ناپذیر و بی حاصل می شود. نویسنده در پی این است که ریشه تاریخی ناهنجاری را بیابد و می یابد: «تمایز مشهودی که سوسور در روند زبان شناسی عمومی میان هم زمانی و در زمانی، بین زبان دائم در حال تحول و طول زمان و زبان به مثابه نظامی موجود در زمانی ویژه و حتی ارجحیت دادن این زبان زمان بسته^۱ به زبان تحول پذیر ریشه این ناهنجاری است.»

وی در این مقاله خواهان یافتن پاسخی برای این پرسش ها است: «آیا سوسور واقعاً در پدید آوردن این شرایط نامطلوب مقصر است؟ آیا درست است که تئوری زبان شناختی سوسور را دقیقاً ضد تاریخی بنگاریم؟»

مری نیکویست^۴، نویسنده مقاله ای دیگر به نام «اختلافات موجود، گفتمان مردگرایانه، واگذارن بهشت گم شده به

۱. زمان زمان بسته = زبان هم زمانی.

2- Mary Niquist 3- Ezra Pound

4- Maud Ellman

Hegemony and Socialist Strategy.

هژمونی و راهبرد سوسیالیستی

نوشته ارنستو لاکلاو و شنتال موفه^۲

انتشار کتاب هژمونی و راهبرد سوسیالیستی: به سوی یک سیاست دموکراتیک رادیکال، در سال ۱۹۸۵ بیانگر یک نقطه عطف در گسترش تفکر پسا مارکسیستی بود. به این معنا که این کتاب در موضعی قرار گرفته بود که در بستر آن، پسا مارکسیسم جایگاه نظری واقعی خود را پیدا کرد. لاکلاو و موفه، ظهور جنبش‌های نوین اجتماعی، گسترش اشکال جدید نقد فرهنگی را به عنوان فرصتی برای احیای مارکسیسم مورد توجه قرار دادند. هژمونی و راهبرد سوسیالیستی در صدد گسترش یک مارکسیسم کثرت‌گرا است که بتواند حصار تنگ و باریک دگماتیسم خود را شکافته و با نظریه و جهان‌بینی‌های

این مقاله، مائو ایلمان به نقد و تعبیر شعرهای بوند همت می‌گمارد.

«صوت نگار آفریقا: صوت محوری^۱ از استنلی تاسارنوف^۲، مقاله آخر به قلم ویلیام پیتراست که با داستانی جالب، مقدمه‌ای کوتاه و پرسشی تأمل‌برانگیز آغاز می‌شود. اما داستان جالب: «هر بچه مدرسه‌ایی هم می‌داند که روی نقشه مسطح کره زمین، قاره آفریقا چون گوش فیل بزرگ به شکلی شبیه به قلب، قد علم کرده و ارگانی ارضی است که آرام می‌شوند و همه چیز را به خاطر می‌سپارد.» و مقدمه: «در اینجا می‌خواهم تا ماجرای از پسا ساختارگرایی مخرب برای تاریخ‌نگاری، بویژه در زمینه‌های مشکل تاریخ مدرن و سرمایه‌داری از شرح دهم»، بعد هم این سؤال را می‌پرسد که هنگامی که صوت نگار صامت و پرونده صوت محوری در نهاد خود در جغرافیای غیر سرمایه‌داری آفریقا، یعنی آن گوش زمینی جای می‌گیرد که می‌شوند و با سکوت کامل ثبت می‌کند، چه چیزی رخ می‌دهد و این مقاله پاسخی است به این پرسش پیچیده.

1- Phonocentrism

2- Stanley to Sarnoff

3- E.Laclau & C.Mouffe.

عین حال می‌کوشند روح انقلابی آن را حفظ کنند.

حال به بررسی هر یک از این مفروضات می‌پردازیم:

۱- اولین مسأله اشکال کلاسیک

تجزیه و تحلیل و محاسبات سیاسی

(طبقه) در مارکسیسم کلاسیک است. آن

چیزی که در مارکسیسم کلاسیک ایجاد

هویت می‌کند، مفهوم طبقه^۱ است. واحد

اساسی تحلیل در مارکسیسم کلاسیک

طبقه است و جامعه هم بر اساس این

طبقه، تجزیه و تحلیل می‌شود. (جامعه

طبقه‌ای است) در حالی که لاکلاو و موفه

بحث طبقه را به جنبش‌های نوین

اجتماعی^۲ مَرکُوط می‌کنند. این واحد

تحلیل را زیر سؤال می‌برند و می‌گویند

که فقط جامعه را نمی‌توان بر اساس طبقه

تحلیل کرد، بلکه بر اساس جنسیت هم

می‌توان تحلیل کرد. بر این اساس ما

هویت جنس داریم و هویت طبقه‌ای.

۲- ماهیت نیروهای معارض در

مارکسیسم کلاسیک. اساساً دو طبقه

جدیدی وارد گفت‌وگو شود.

هدف نهایی نویسنده در این مطالعه،

خلق آن چیزی است که آن را سیاست

دمکراتیک رادیکال می‌نامند. و در آن

جنبش‌های اعتراضی جدید خود را به

صورت کامل نشان می‌دهد. بنابراین آن

چیزی که لاکلاو و موفه درگیر آن هستند،

چیزی نیست جز بازتعریف مارکسیسم به

عنوان یک نظریه فرهنگی، مخصوصاً

تلاش می‌شود تا واژه‌هایی نظیر هژمونی

و در نتیجه نقش طبقه کارگر در نظریه

مارکسیسم مورد بازبینی قرار بگیرد. در

آنچه که در زیر می‌آید، یعنی مقدمه

کتاب مزبور، لاکلاو و موفه وضعیت

جهت‌گیری دوباره مارکسیسم برای

پاسخ‌گویی به شرایط فرهنگی متحول

شده را تشریح می‌کنند، آن هم با

واژه‌هایی که تقریباً غیرقابل جمع کردن

هستند. نویسندگان ادعا می‌کنند که تفکر

سوسیالیستی و مقولات اصلی آن با

نوعی بحران مواجهند و نظریه‌پردازان

چپ نمی‌توانند این بحران را نادیده

بگیرند. آنها خود را به عنوان کسی در

نظر می‌گیرند که مفروضات مارکسیسم

کلاسیک را به چالش می‌کشند. ولی در

1- Class

2- new social movements.

است. (در دموکراسی رادیکال ما انشقاق در وحدت و انتظام در پراکندگی^۱ به تعبیر فوکو داریم) حقوق زنان، اقلیت‌ها، محیط زیست و همه باید در نظر گرفته شود. لذا افراد نمی‌توانند به واسطه ساختار جامعه سرکوب شوند.

۴- هستی‌شناسی طبقه کارگر و نقش انقلاب. مسأله دیگری که نویسندگان کتاب معتقدند در مارکسیسم کلاسیک، دچار بحران شده است این است که مرکز آنتولوژیکی (هستی‌شناسی) طبقه کارگر و نقش انقلاب به عنوان اصلی‌ترین عامل گذار از یک نوعی از جامعه به نوع دیگر، زیر سؤال رفته است. در عین حال تصور یک ازاده جمعی همگون و واحد نیز به چالش کشیده شده است. ویژگی چندجانبه و متکثر مبارزات اجتماعی معاصر، بنیادی بودن طبقات را به چالش کشیده است. که خود این مسأله منجر به ایجاد یک بحران تئوریک شده است و در نقطه وسط این دو جنبش نظری و سیاسی است که گفتمان مورد نظر ما (نویسندگان) شکل می‌گیرد.

حاکم و محکوم در مارکسیسم کلاسیک با هم در تعارض می‌باشند. در حالی که در دیدگاه لاکلاو و موفه، لزوماً ما دو طبقه نداریم. بلکه ممکن است هویت‌های جنسی هم نوعی تعارض ایجاد کنند. (در جامعه مارکسیستی، زن هویتش وابسته به هویت سرمایه‌داری است) به عبارت دیگر هویت چه برای مرد و چه برای زن از طریق کار ایجاد می‌شود و نه جنسیت. یعنی اینکه کار برای زن و مرد ایجاد هویت می‌کند. در حالی که لاکلاو و موفه می‌گویند؛ هویت‌های دیگر مثل زبان، فرهنگ، جنسیت در مارکسیسم کلاسیک سرکوب می‌شود، چرا که زیر بنا اقتصاد است.

۳- معنای مبارزات و اهداف جنبش چپ. بحث مبارزات و اهداف جنبش چپ بعد از دهه ۹۰ با یک خلاء معنایی مواجه شده است. یعنی اینکه امروز شیوه‌های مبارزات سوسیالیستی و راه‌هایی که منجر به سوسیالیسم می‌شوند، مورد چالش قرار گرفته‌اند. که لاکلاو و موفه در پاسخ به این چالش‌ها نظریه خود را ارائه می‌دهند و آلترناتیوی که مطرح می‌کنند دموکراسی رادیکال

1- regularity in dispersion.

بحران تئوریک در چپ به چالش کشیده شدن هستی‌شناسی طبقه	نظریات لاکلاو و موفه گفتمان دموکراسی رادیکال	بحران سیاسی در جوامع مدرن، متکثر شدن قدرت، چند طبقاتی شدن جوامع مدرن و ظهور طبقه متوسط قدرتمند
--	--	---

است که از همان آغاز گفتمانی بودن طرد شده بود و خطی بودن تاریخ در مارکسیسم کلاسیک مورد تأکید قرار گرفته بود. اصل راهنما در تجزیه و تحلیل لاکلاو و موفه، تحول در مفهوم هژمونی است. در اینجا هژمونی به عنوان یک سطح گفتمان و نقطه کانونی اساسی نظریه پردازی مارکسیستی در نظر گرفته می‌شود. یعنی هژمونی در یک سطح گفتمانی در نظر گرفته می‌شود. نتیجه اساس مورد نظر نویسندگان این است که مفهوم هژمونی چیزی است فراتر از نوعی رابطه سیاسی مکمل نظریه مارکسیسم. در واقع هژمونی نوعی منطق اجتماعی را معرفی می‌کند که ناسازگار با مقولات نظریه مارکسیستی است. (هژمونی لزوماً به آن چیزهایی که مارکسیسم می‌گفت منجر نمی‌شود). پس

نویسندگان کتاب می‌گویند: ما نمی‌خواهیم یک توصیف صرف جامعه‌شناختی ارائه بدهیم. چون در این صورت گفتمانی بودن خود جامعه‌شناسی مورد غفلت قرار می‌گیرد. جهانشمول بودن گفتمان مارکسیسم به عنوان یک فراگفتمان مدرنیته زیر سؤال می‌رود. چون برخلاف آنچه مارکس می‌گفت: مارکسیسم و جامعه‌شناسی مارکسیستی خود یک گفتمان است، لاکلاو می‌گوید ما نمی‌خواهیم مانند مارکسیسم برای کل جهان یک نسخه بیچیم، بنابراین دموکراسی رادیکال هم گفتمان است.

نویسندگان کتاب می‌گویند هدف ما این است که بر مقولات گفتمانی تأکید کنیم. در نگاه اول یک کانون برای بحران‌های مختلف هستند و این در حالی

لاکلاو و موفه در راستای نظریه پردازی خود اقدام به ساختارشکنی مارکسیسم کلاسیک می‌کنند. به اعتقاد آنها یک گفتمان و یک نظام مقولات وجود ندارد که حقیقت، فقط در دل آنها نهاده شده باشد. نویسندگان کتاب می‌گویند ما در این ساختارشکنی مقولات مارکسیستی درصدد تحریر یک تاریخ جهانشمول نیستیم. به نظر نویسندگان، همچنانکه دوران معرفت‌شناسی هنجاری (منظور لیبرال‌ها) به پایان رسیده است، دوران گفتمان‌های جهانشمول (مارکسیسم کلاسیک) نیز به سر آمده است. که این وضعیت همان وضعیت پسامارکسیسم

است که در این حوزه نه دیگر می‌توان از مفهوم ذهنیت‌گرایی و طبقات مارکسیسم بحث کرد و نه می‌توان دوره‌های تاریخی را با توسعه سرمایه‌داری مشخص کرد. همچنین جامعه دیگر آن قدر شفاف نیست که تخصیص در آن از بین رفته باشد. بنابراین پروژه فکری ما در اینجا هم بعد از مـاـرکـسیـسم است و هم پست مارکسیسم است.

به نظر نویسندگان کتاب، هرژمونی یک ابزار مناسب برای توصیف مبارزه در راستای دموکراسی متکثر، آزادی‌بخش و رادیکال است و از این رو مراجعه به آثار گرامشی دارای اهمیت خاصی است.

روزنامه‌نگار علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

جمال جمیل علم‌العمالی

1. Barrow, Clyde W/ Critical Theories of the State : Marxist, Neo-Marxist, Post-Marxist. (Univ. Wisconsin P: 1993)
2. Bauman, Zygmunt/ Legislators and Interpreters: On Modernity, Post-modernity and Intellectuals. (Polity P: 1990)
3. Beer, Francis A; Hariman, Robert (Ed)/ Post-realism : Rhetorical Turn in International Relations. (Michigan State University P: 1996)
4. Blond, Phillip (Ed)/ Post-secular Philosophy: Between Philosophy and Theology. (Routledge: 1997)
5. Britt, David (Ed)/ Modern Art : Impressionism to Post-modernism. (Thames & H: 1989)
6. Callinicos, Alex/ Against Post-modernism: A Marxist Critique.(Polity P: 1990)
7. Cantori, Louis J; Ziegler, Andrew H/ Comparative Politics in the Post-behavioral Era. (L Rienner, US: 1988)
8. Cook, David/ Blind Alley Beliefs: Post-modernism, Existentialism, Humanism, Marxism, Scientific Materialism, Anarchism. (Inter-Varsity: 1996)
9. Dalziel, Robyn De Jong-(Ill)/ From Neo-Renaissance to Post-Modernism : Hundred and Twenty-Five Years of Deutsch

- Interiors. (Uitgeverij 010 Publishers, Netherlands: 1996)
10. Elliott, Mark/ Post Modernism and Theology. (Religious & Theological Studies Fellowship: 1998)
 11. Featherstone, Mike/ Consumer Culture and Post-modernism. (Sage Pubns.: 1990)
 12. Habermas, Jurgen/ Post-Metaphysical Thinking: Between Metaphysics and the Critique of Reason. (Polity P: 1994)
 13. Jabar, Faleh A (Ed)/ Post-Marxism and the Middle East. (Saqi Bks.: 1997)
 14. Jencks, Charles/ What is Post-modernism?. (Academy Edns.: 1990)
 15. Lawson, Hilary/ Reflexivity: The Post-modern Predicament. (Open Court Pub. Co, US: 1986)
 16. Lemert, Charles C/ Post Modernism is Not What You Think. (Blackwell, US: 1997)
 17. Lyotard, Jean-Francois/ Post-modern Explained for Children: Correspondence, 1982-85. (Univ. Minnesota P: 1996)
 18. Lyotard, Jean-Francois; Pefanis, Thomas M (Tr)/ Post-modern Explained for Children: Correspondence, 1982-85. (Turnaround: 1992)
 19. Matustik, Martin Joseph; Westphal, Merold (Ed)/ Kierkegaard in Post/ Modernity. (Indiana UP: 1995)
 20. May, Todd/ Political Philosophy of Post-Structuralist Anarchism. (Penn. State UP: 1994)
 21. McAllister, Ted V/ Revolt Against Modernity : Leo Strauss, Eric Voegelin and the Search for a Post-Liberal Order. (Univ. P of Kansas: 1995)

22. Mercurio, Nicholas; Medema, Steven G/ Economics and the Law: From Posner to Post-modernism. (Princeton UP: 1999)
23. Milkov, Nikolay/ Kaleidoscopic Mind: An Essay in Post-Wittgensteinian Philosophy. (Rodopi BV Editions: 1992)
24. Morrison, Wayne/ Theoretical Criminology : From Modernity to Post-modernism. (Cavendish Publishing: 1995)
25. Norris, Christopher/ Resources of Realism: Prospects for Post-analytic Philosophy. (Macmillan P: 1996)
26. Papadakis, Andreas (Ed)/ Post-modernism on Trial. (Academy Edns.: 1991)
27. Polanyi, Michael/ Personal Knowledge: Towards a Post-critical Philosophy. (Routledge: 1998)
28. Post-modernism and the Future (90s). (Heinemann Library: 1999)
29. Powell, James/ Post-modernism for Beginners. (Writers & Readers Pub, US: 1997)
30. Rajchman, John/ Post-Analytical Philosophy. (Columbia UP: 1985)
31. Rose, Margaret A/ Post-modern and the Post-industrial: A Critical Analysis. (Camb. UP: 1991)
32. Rosenau, Pauline Marie/ Post-modernism and the Social Sciences: Insights, Inroads and Intrusions. (Princeton UP: 1992)
33. Rosenblum, Robert/ Dog in Art : From Rococo to Post-modernism. (Abrams: 1995)
34. Roszak, Theodore/ Where the Wasteland Ends: Politics and Transcendence in Post-industrial Society. (Celestial Arts, US: 1989)
35. Sarup, Madan/ Introductory Guide to Post-structuralism and Post-modernism. (Harvester Wheatsheaf: 1993)

36. Schwarzmantel, J J/ Age of Ideology : Political Ideologies from the American Revolution to Post-Modern Times. (Macmillan P: 1997)
37. Thompson, Gary Sauer; Smith, Joseph Wayne/ Beyond Economics : Post Modernity, Globalization and National Sustainability. (Avebury: 1996)
38. Turner, Jane (Ed)/ From Expressionism to Post-modernism: Styles and Movements in 20th-century Western Art. (Macmillan P: 2000)



پایگاه علمی و مطابقات فرهنگی
 مرکز مطالعات و تحقیقات
 علمی و فرهنگی